



Est.1994

JCL

Journal of the College of Languages
Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal

<http://jcolang.uobaghdad.edu.iq>

P-ISSN: 2074-9279
E-ISSN: 2520-3517
2020, No.(41)
Pg.313-330

نمونه هائی از تشبیه در اشعار خواجه کرمانی

Examples of a Simile in the Poetry of Khwaju Kermani

Asst. Professor **Khairiyah Dammak Qasim (Ph.D.):** noorallhji@gmail.com

University of Baghdad/ College of Languages/ Dept. of Persian Language

(Received on 15/5/2007 - Accepted on 25/11/2019 – Published on 2/1/2020)

Abstract:

A simile is a figure of speech that draws resemblance with the help of the words such as (like) or any other closer in meaning word. The present paper deals with the theme of a simile in the poetry of Khwaju Kermani, a truly great Persian poet.

Besides being a great poet, Khwaju Kermani was also a fine professor of sciences. He was, also, known by his ghazals in which he imitated and was influenced by two of the most immense poets (Saadi) and (Hakim Sanai).

The search for knowledge, the pursue of studies and interpretation are among the main themes of Khwaju Kermani's poetry. He uses ghazals to express love and longing in a mystical manner.

The present paper discusses the poet's life, ethics and works. It, also, defines a simile and gives an account of its different types. The final part of the study deals with and points out some of the most important similes in Khwaju Kermani poetry.

Key words: A simile, Khwaju Kermani , his style and poetry , types of a similes , a simile in Khwaju Kermani verse.

نمونه هانی از تشبیه در اشعار خواجه کرمانی

م. خیریة دماک قاسم

دانشگاه بغداد

دانشکده ی زبانهای خارجی

کروه زبان و ادبیات فارسی

چکیده

تشبیه ، دلالت بر مشارکت امری با امری دیگری در يك معنى بوسیله ی کلمه(جون) یا هر عبارتی که جای کزین آن می باشد. ما در بزوهش تشبیه را در اشعار يك شاعر مشهور ایرانی (خواجه کرمانی) بررسی کردیم.

شاعر ما در اکثر علوم استادی ماهر بود ودر غزل شیوه ی خاص دارد. سبک بعضی از غزلهای او بطرز سخن سعدی نزدیکست هم جنین به سخن حکیم سنائی متوجه داشت و غزل او را تضمین و تخمین کرده است.

در قصاید خواجه کرمانی معانی حدیث و اخبار و تفسیر ملاحظه می گردد، غزلهای او عاشقانه و شور انگیز است و اکثر ترجیحاتش عارفانه و طرب انگیز است.

ما درین این بزوهش سعی کردیم تا اطلاعاتی از زندگی و آثار و عقیده این شاعر بنوسیم همراه با تعریفی از وازه ی تشبیه و انواع آن و بالاخره مبحثی از بکار بردن تشبیه در اشعار این شاعر ضمیمه کردیم. و امیدواریم که موفق بشویم.

واژگان کلیدی: تشبیه، شاعر خواجه کرمانی، سبک و اشعار، انواع تشبیه، تشبیه در اشعار خواجه کرمانی

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی اشرف المرسلین وعلی آله الطیبین الطاهرین وصحبه الغر الميامین وبعده....

موضوع تشبیه یکی از مواضع مهم علوم بلاغت بشمار میرود چون آن موضوع به کوششی وکاری محکم احتیاج دارد و تشبیه در همه انواع و صور و اشکال متعدد و گوناگون آن يك وسیله ای برای انعکاس و نمودار شدن نتایجهای ادبی است.

و دراین بحث یکی از بزرگترین و نامترین شاعران ایران انتخاب کردم و تلاش نمودم تا نمونه های از تشبیه در اشعار ایشان بقدری که توان است بیان نمودم و امید که چیزی جدیدی و قابل الفایده از آن استنباط من کند.

این بحث از پیشگفتار و سه فصل و خلاصه تشکیل میدهد.

فصل اول: در باره اسم و لقب و زندگانی این شاعر و نگاهی مختصری بر آثاری.

فصل دوم: در باره تشبیه و معنای تشبیه از لحاظ زبان و اصطلاح.

فصل سوم: نمونه هانی از تشبیه در اشعار خواجه کرمانی ضمیمه کردم.

فصل اول

نگاهش در زندگانی خواجه کرمانی...

اسم و لقب او: ابو العطا کمال الدین محمود بن علی بن محمود المدعو بخواجه المرشدی الکرمانی(1). پدر خواجه علی بن محمود که از اکابر کرمان بود نام خواجه را محمود و کنیتش را ابو العطا ملقب بکمال الدین نهاد و بعدها چون بشیخ مرشد ابو اسحق کازرونی ارادت میورزید و از مریدان او بود بمرشدی مشهور شد (2).

تولد کرمانی:

تولد کرمانی شب یکشنبه بیستم ذی الحجه سال 689-1602 رومی و 659 یزد جردی 17 ماه 212 جلالی میشود هنگامیکه افتاب در برج جدی و زحل در برج حمل بوده اتفاق افتاده است.

در میان شعرا تاریخ تولد هیچیک چنین روشن نیست و ضبط چنین تاریخ ولادت را خاندان دانشمندی باید و اکنون نکه قریب دهها سال از تاریخ گذشته است اگر کسی منجم نباشد نمیتواند زائجه و ولادت خویش را اینگونه بیان کند.

خواجه کرمانی تا سال 753 در قید حیات بود و قبل از آنکه شیر از بدست سپاه مبارزی مفتوح شود وی از اینجهان در گذشته است قاضی احمد سبب وفات خواجه را چنین نگاشته که در باب ختان خلف صدق شیخ ابو اسحق علی سهل قصیده ئی در سلك نظم کشید شیخ ابو اسحق يك طبق پراززر باو بخشید مقارن آنحال مولانا متغیر الاحوال کشت و در دم از هم در گذشت.

این قولی را قاضی احمد از تاریخ جعفری نقل کرده و این تاریخ که اکنون از ان فقط نامی مانده ظاهراً در قرن نهم تألیف شده و ازاد هم اینقول را از تاریخ نگارستان نقل کرده و نوشته است خواجه بمجرد مشاهده طبق زرازشادی مرگ شد و روح او از فرط انبساط در هوا پرواز کرد في سنة 753.

(1) لغت نامه، و هخدا، تهران.

(2) دیوان اشعار خواجه کرمانی، باتصحیح احمد خواسناری، تهران.

در این تاریخ وفات شك و تردید نیست لیکن قبول سبب فوت وی اگر هم صحیح باشد برای ما که اکنون در دیوان وی قصیده ئی در تهنیت و سور ختان عی سهل علی. ببینیم چندان اسان نیست.

در تاریخ فوت خواجو اختلافهای غلط زیاد راه یافته علیقلخان 832 ابو طالبخان 715 ودولت‌شاه و فخر الزمانی 742 را تاریخ فوت وی دانسته اند هدایت وفات ویرا در مجمع الفصحا 503 و در ریاض العارفین سال 842 نکاشته است و دیگرانهم آنچه نوشته اند بمتابعت از انانست که با اندک توجه عدم صحت همه روشن میگردد. تنها مؤلفی که قول صاحب تاریخ جعفری و قاضی احمد را تأیید کرده شاهد صادقست که او نیز سال وفات خواجو در 753 نوشته و اعتماد السلطنه هم باتکای قول وفات او را در منتظم ناصری سال 753 ضبط کرده است.

خواجو در اکثر علوم استادی. ماهر بود و تا آنجا که از اشعار رشمستفاد میشود علم نجوم را بخوبی میدانسته از اینرو اصطلاحات فلکی را در قصاید استادانه بکار برده و مورد یکدیگر در اشعار از نجوم بحث کرده و سخن رانده بسیارست لیکن چنانکه خود در مثنوی کوه‌نامه گفته ست بیشتر گرفتاری و سختیهای او در زندگی از نجوست این عام بوده و آشفتگی کاروی اکثر ثمره علم نجوست.

ز چرخست ایچنین آشفته کارم	جرا کاری چنین آشفته دارم
بسی دیدم جفارین جرخ ناکسی	ندانم تاچه خواهم دید از زین بس
از ان برتیره روزی دل نهادم	که از اختر بدین روز او فتادم
برو خواجو زهنیت جند کونی	شفازین علم لی قانون چه جوئی
بکلی محو کن تحویل طالع	منه دل بر اشارات مطالع (1)

(1) دیوان اشعار جواجو کرمانی، بالتصحیح، احمد خواسناری، تهران.

خصوصیات شعری و اخلاق کرمان

طرز سخن خواجو در قصاید مختلفست برخی از قصاید او باسلوب خاقانی مشابهت و خود نیز در دوسه قصیده خود را باخاقانی برابر کرده مانند...

لا خاقانی ونم در ملك معنى زانك هست

گدمی بازار شمس از انوری وای من

وگاه بسبک خراسانی نزدیک شده و بدین اسلوب سروده لیکن بطور کلی سبک وی عراقی بوده است.

خواجو در غزل شیوه ئی خاص دارد اصطلاحات و ترکیبات بیشتر غزلهای خواجو در اشعار دیگران دیده نمیشود سبک بعض از غزلهای او بطرز سخن سعدی نزدیکست و این شباهت فقط از نظر الفاظ و معانیست.

در صور تیکه اگر دیوان حافظ را تفحص کنیم و ترکیبات و مضامین که مولانا خواجه گرفته بشمار آریم دیگر چنین نسبت ناروایی بخواجو نمیدهیم. خواجو و قتیکه بسخنی حکیم سنائی توجه دار و غزل او را تضمین و تخمین کرده کاملاً بشیوه او سخن رانده و زمانیکه اشعار کمال اسمعیل و عراقی را تتبع کرده بطرز انانی نزدیک شده است. خواجو با اشعار خود علاقه زیاد داشته از انثرو آنچه از آغاز تابایان عمر بنظم در آورده همه را در دیوان ثبت فرموده و بانتخاب نپرد اخته است اگر اشعار متوسط و بد خود را در ایام حیات بآب میشت و چون حافظ بیش از یک دیوان شش هزار بیتی بر صفحه روزگار باقی نمیگذاشت قطعاً بیشتر بر شهرتش میافزوده و مقبول عامه بود.

با اینکه دواین شعرا را بسیار تتبع نموده معدک مضمون و ترکیب عاریت در شعرش کمست. در دیوان او ترکیبات و لغات تازه و صحیح و اصطلاحات مفید بسیار میباشد روح مذهب اکثر اشعار او بیدارست و در قصایدش معانی حدیث و اخبار و تفسیر ملاحظه میگردد. خواجو از شعرا عیست که ضمن غزلسرائی مدح گو و قصیده سراسر است و ازین راه خواسته است مزیستی عالی بیابد و این ارزو بوضوح از اشعارش مستفاد میشود در دیوان وی هجو کمست و آنچه ملاحظه میگردد چنانکه گفته شد راجع بایام جوانیست و درین ایام بی حرص و طمع نبود. خواجو از شعرای معاصر در اشعار خود یا دنکرده بیداست اعتنائی بانان نداشته و در مقابل خویش ناجیز میسروده حس غرور کما بیش در اشعارش ظاهر و همچنین زهد و ریاضت در آثارش پدیدارست.

غزلهای خواجو عاشقانه و شور انگیز و اکثر شیرینی ترجماتش عارفانه و طرب انگیز و قصایدش بعضی روان و خوش و برخی چون مثنویاتش متوسط میباشد در اشعار معاصرین خواجو گاه مضامین و معانی تمصاری پیدا میشود که معلوم نیست کدام یک از یگدیگر اقتباس کرده اند مثلاً در غزلی بدین مطلع.

ولی سیر برآمد دلم از روز جوانی

چاتم بلب امد ز غم و درد نهانی

و در دیوان سلمان سازی غزلیست بدین مطلع

نمیدانم که نی جون من چرا بسیار مینالد

و مادام میزید یارش ز دست یار مینالد

عقیدت و طریقت کرمانی...

در اشعار کرمانی مدح خلفای راشدین نیز هست. خواجو در مدح خاندان رسالت اشعار بسیار دارد که در اکثر بالصراحه بحضرت قائم اظهار اعتقاد کرده و ظهور مهدی را انتظار داشته است. "خواجو در طریقت پیرو فرقه مرشدی و شیخ امین الدینی بوده و از برکت انفاس شیخ به مقامات عالی رسیده بیش از راههای وصول بمقصود را پیموده رنج سفر در اقصی نقاط دنیای امروز را

برای وصل معشوق حقیقی متحمل شده است و راه سیر و سلوک را بدین مقصود بر گزیده که بمنزل زود تر برسد چه با عبادت و زهد خشک باسانی بکعبه مقصود میتوان رسد". (1)
 واجو در مذمت زهد فروشان دروغی و صوفیان ریا کار اشعار بسیارست و هرکجا میدانی برای مبارزه یافته بیمحا بابر آنان تافته است.

اثار کرمانی....

اشعار و اثار خواجه انچه تاکنون دیده شده بدین تفصیلت ...

- 1- صنایع الکیال ... مشتمل بر قصاید و قطعات و ترکیبات و ترجیبات و غزلیات میباشد.
- 2- بدایع الجمال ... مشتمل بر قصاید و ترکیبات و غزلیات و رباعیات که دفتر غزلیات ان بنام شوقیات خوانده شده و 4340 هزار بیت میباشد.
- 3- همای و همایون ... این مثنوی که با این بیت آغاز شده ..
بنام خدا وند با لا و پست که از هستیش هنرشد هرچه هست
- 4- مثنوی گل و نوووز ... این منظومه بروزن خسرو و شیرین حکیم نظامی با این ابیات آغاز شده است.

بنام نقشبند صفحهء خاک عذار افروز مهرویان افلاک
 عبیر امیز انفاس بهاری زبور آموز کبک کو هساری

(1) دیوان اشعار کرمانی، احمد خواسناری، تهران.

گل و نور وز را خواجه بنام تاج الدین احمد عراقی افتتاح و بنام شاه شیخ ابو اسحق تمام کرده است.

5- مثنوی کمال نامه ... این مثنوی که بنام شیخ ابو اسحق کازرونی ساخته شده و شامل دو از ده باب در سیر و سلوک بروزن بهرا منامه حکیم نظامی.

6- گو هرنامه ... که بروزن خسرو شیرین نظامی ساخته شده است.

7- سام نامه ... که داستانی عشقیست ببحر متقارب گفته شده و برخی گویند از خواجه نیست و تاکنون نسخه کامل انهم دیده نشده است.

8- مفاتیح القلوب و مصابیح الغیوب ... خواجه از مجموع اشعار خود که در اقسام مختلف میباشد و گاه محاورات و محاضرات بسیار بکار میاید این کتاب را ینام امیر مبارز الدین تالیف نموده.

9- رساله البادیه .. این رساله خواجه در سوانح سفر کعبه و داستن اتفاق گذاروی بنخانقا هی و دیدار بیری مجهول که خود را معروف کرخی من نامید بنثری فصیح و بیانی ملیح تالیف کرده است.

10- رساله سبع المثانی ... که در مناظره تیغ و قلم بنام امیر مبارز الدین محمد در سال 748 تالیف نموده و نثران مانند رساله البادیه مغلق و پیداست مؤلف خواسته اظهار فصل کند جنین آغاز شده است.

11-رسالهء مناظرهء شمس وسحاب... که معلوم نیست در چه سال وبنام کدام باد شاه تالیف شده لیکن آنچه مسلمست یادر سنهء 748 یا سالی بعد از سبع المئانی اتمام یافته.

فصل دوم

تشبیه از لحاظ زبان

ابن منظور (711هـ) می گوید: ریشه ی وازه تشبیه آمده از "الشبه والشبه وتشابه واشتبها اشبه کل واحد منها صاحبه. شبه به مثله والتشبيه المنخيل" (1)

از خلال تأمل در آنچه بنقل از ابن منظور آمده است مینوان گفت وازه تشبیه به دو دلالت لغتی منقسم می شود نخست تشبیه بمعنای تمیل یا مماثله است یعنی چیزی را از لحاظ مضمون دریک جنبه یابیشتر شباهت به چیزی دیگری کرد که مهمترین ومعروفترین دلالتهای تشبیه است امدومین دلالت تشبیه را بمعنای ادغام وبهم امیختن می داند یعنی دوجیز را از لحاظ شباهت به گونه ای در آورد که نمیتوان انها را از یکدیگر تمیز داد بطور یکه گمان شود که هر یکی خود دیگریست.

معنای تشبیه از لحاظ اصطلاح...

ابن المعتز (296هـ) تشبیه را شرح میدهد "کون التشبيه احد محاسن الشعر والكلام مستشهداً لما حسن في نظره من تشبيهات القدماء والمحدثين من دون ان يعمد الى تعريف التشبيه او تحديد اركانه" (2)

اما عبد القاهر الجرجانی (471هـ) از گفته اش بطور روشن جنبه معنوی در مشخص ساختن تشبیه تجلی کرده وعلت انهم نقطه نظر هایش که بر اساس تفسیر منطقی مجرد بریاست زیرا می بیند "التشبيه قياس والقياس يجرى فيما تعيه القلوب وتدرکه العقول وتستنق فيه الافهم والاذهان لا الاسماع والاذان كما وان التشبيه من وجه اخر ما هو الا اثبات لهذا المعانى والمدركات العقلية

(1) لسان العرب، ابن منظور، بيروت .

(2) البديع، ابن المعتز، دمشق

من خلال المقايسه ذاتها لان التشبيه ان ثبت لهذا المعنى من معانى ذاك او حكماً من احكامه كأتبات للرجل شجاعه الاسد. " (1)

والسكاكى (626هـ) در شرحش از لحاظ دلالت لغتی روشن است و می گوید "تشبيه الشيء لا يكون الا وصفاً له بمشاركته المشبه به من امر" (2) یعنی تشبيه يك چیزی بایستی وصف ان باشد با مشاركت مشبه به در ان.

اما ابن الاثير (637هـ) تشبيه را چنین شرح داده: "هو ان يثبت للمشبه حكم من احكام المشبه به قصرأ للمبالغة" (3) یعنی باید برای مشبه یکی از احكام مشبه به را ثابت کرد.

اما الطيبي (743هـ) تشبيه را چنین شرح می دهد "وصف الشيء بمشاركه الاخر في المعنى وهو يستدعي خمسه اشياء الطرفين ليحصل، والوجه ليجمع، الغرض ليصح، والاحوال ليحسن والاداة لتوصل" (4) یعنی وصف چیزی در مشاركت ديگر در معنى که نیاز به پنج چیز دارد دو طرف برای تحقيق وجهه برای جمع و هدف برای صحت واحوال برای برتری و ازار برای رسیدن.

اما محمد بن قيس رازی تشبيه چنین مشخص نمود "چیزی بچیزی مانند کرده است" (5) اما شرف الدين تبریزی تشبيه چنین شرح می وهد "نسبت کردن چیزی بچیزی بود" (6).

ونزد نصر الله تقوی تشبيه چنین است "مانند نمودن چیزی را بچیزی در معنائی" وبعبارات ديگر اظهار مشاركت امریست با امری دروصف از اوصاف بالفاظ مخصوصه" (7).

- (1) اسرار البلاغة من علم البيان، عبد القاهر الجرجاني، بيروت.
- (2) مفتاح العلوم، ابو يعقوب السكاكى، مصر.
- (3) المثل السائر في ادب الكاتب والشاعر، ابن الاثير، القاهرة.
- (4) التبيان في البيان، شرف الدين الطيبي، القاهرة.
- (5) المعجم في معايير اشعار العجم، شمس الدين محمد بن قيس الرازى، القاهرة.
- (6) حقايق الحدائق، شرف الدين حسن بن محمد رامى تبريزى، طهران.
- (7) هنجار گفتار، نصر الله تقوى، طهران.

اما يکانى تشبيه چنین تفسير داده "دلالت بر مشاركت امری با امری ديگر دريك معنى بوسيله كلمه (چون) يا هر عبارتى که جای گزين ان باشد" (1)

سر انجام دکتر علی سلطانی گرد فر امرزی تشبیه جنین تفسیر داده "تشبیه بیان شباهت میان دوجیز است" البته شباهت میان دوجیز گاهی واقعاً وجود دارد شاعر جنین شباهتی را تصور من کند . (2)

از آنچه که آمده است می بینم که اهل بلاغت در تفسیر های اصطلاحی خود برای تشبیه تنها به معنی ان از دیدگاه اهل لغت منحصر شردند که بیانگر همائند کننده در بیش از يك جنبه از لحاظ وصف ویا مشارکت ویا ثابت کردن این مشارکت وبسبب ان تفسیر عبد القاهر الجرجانی از لحاظ وقت در مقدمه این تفسیر ها آمده. (3)

-
- (1) سخن شناسی ، کیانی، طهران.
 - (2) ادبیات فارسی، د.علی سلطان گرد فرامرزی ، تهران.
 - (3) البلاغة والتطبیق، د. احمد مطلوب ، بغداد.

بعض انواع تشبیه

1. تشبیه مطلق... یعنی تشبیه چیزی به چیزی دیگر بوسیله ادات تشبیه وبدون شرط عکس ، تفضیل وغیره (1)
2. تشبیه مشروط... تشبیه چیزی به چیز دیگری بشرطی از شروط برای گفتن می شود اگر چنین بود چنین مرشد (2).
3. تشبیه کنایت... کنایت از مشبه بالفظ مشبه به است بدون ادات تشبیه(3).
4. تشبیه تسویت... شاعر صفتی از صفات خود وصفتی از صفات طرف مقصود را من گیرد واین دو صفت را به يك چیز تشبیه من دهد (4).
5. تشبیه معکوس... تشبیه دوچیز مختلف با همدیگر (5).
6. تشبیه اضممار... یعنی چیزی به چیز دیگری بگونه ای که وانمود من شود که چیز دیگر خواهد بود ونه این تشبیه در حالیکه شاعر در وجدان خود همین تشبیه را قصد دارد (6).
7. تشبیه مرکب با مفرد... تشبیه است که در ان مشبه مرکب و مشبه به مفرد می باشند (7).
8. تشبیه متعدد... تشبیه ایست که در ان تصویر های تشبیه بدون ترکیب در ان جمع شده است (8).

-
- (1) حدائق السحر في دقائق الشعر ، رشيد الدين وطواط ، تهران، ص139.
 - (2) همان منبع، ص142.
 - (3) همان منبع، ص142.
 - (4) همان منبع، ص144.
 - (5) حدائق السحر في دقائق الشعر، رشيد اسين وطواط، تهران ، ص145.
 - (6) همان منبع، ص147.
 - (7) معجم المصطلحات البلاغية وتطورها، د. احمد مطلوب ، ص201.
 - (8) همان منبع، ص202.

-
- 9- تشبیه حسی ... مشبه و مشبه به یعنی بوسیله یکی از پنج حواس درك من شود (1)
- 10- تشبیه معقول با محسوس... مجسم ساختن آنچه که از حس دور باشد یعنی آنچه در ان مشبه عقلی باشد و مشبه به حسی است (2).
11. تشبیه مقید... تشبیه است ك در ان مشبه و مشبه به مقید اند (3).
12. تشبیه قریب... تشبیه ایست که در ان بدون وقت نظر از مشبه بمشبه به انتقال من شود

-
- (1) معجم المصطلحات البلاغية وتطورها، د. احمد مطلوب ، ص199.
- (2) همان منبع، ص 206.
- (3) همان منبع، ص 101.
- (4) همان منبع، ص 101

فصل سوم

تشبیه در شعر کرمانی

1- منم جد اشته از یار و منقطع زدیار

چو بلبان جمن دور مانده از بستان (1)

این بیت یکی از تشبیهات تشک در شعر کرمانی بشمار میرود. و این تشبیه کسی به بلبان .

1. مشبه منم جدا شده از یار و منقطع زدیار.
2. مشبه به بلبان جمن دور مانده از بستان.
3. اداه تشبیه چون.

2- میست کاب حیاتست در سیا هی شب

چو خضر وقت توئی اب زندگانی کو (2)

تشبیه مشنک و حالب

1. مشبه ... سیا هی شب.
2. مشبه به خضر وقت توئی رب زندگانی.
3. اداه تشبه .. جو.

3- تعالی الله چنان زیبا نگاری

برش چون سیم و دل چون سنگ خاره (3)

این بیت دو تشبیه دارد و تشبیه درین بیت ساده و روان و مشنگ نیز می باشد

-
- (1) دیوان اشعار خواجه کرمانی، احمد خوانساری، طهران، ص 320.
 - (2) همان منبع، ص 321.
 - (3) دیوان اشعار خواجه کرمانی، احمد خوانساری، طهران، ص 326.

1. مشبه (برش)
2. مشبه به (سیم) تشبیه اول
3. اداه تشبیه (چون)
1. مشبه (دل)
2. مشبه به (سنگ خاره) تشبیه دوم
3. اداه تشبیه (چون)

4- بازم بطره از چه دلایز میکنی

چون فلغم مدام برآش نهاده ئی (1)

1. مشبه (بازم بطره از چه دلایز میکن)
2. مشبه به (فلغم مدام بر ش نهاده ئی)
3. اداه تشبیه (چون)

5- ان بناگوش دلا فروز ست یامه یا چراغ

کز شب زلف تو چون شمع شبستان تافتست (2)

تشبیه درین بیت خیلی جالب است و بان از تشبیهات مهمی در اشعار خواجه کرمانی بشمار میرود.

1. مشبه - شب زلف تو
2. مشبه به - شمع شبستان تافتست
3. اداه تشبیه - چون

(1) همان منبع، ص 327.

(2) دیوان اشعار خواجه، احمد خوانساری، طهران، ص 405.

6- نیم شب راه نیمروز زند

چون زشب سایه بر فور اندازد (1)

اینجا تشبیه روان و ساده و خالی از تکلیف شاعر کرمانی میآورد

- 4- شب - نیم شب
- 5- مشبه به - زشب سایه بر فور اندازد
- 6- اداه تشبیه - چون

7- عهد مثال معتل واجوف تهند شان

اما بدان صحیح که سالم جو عر عرند (2)

درین بیت شاعر خواجه کرمانی تشبیه رصین قشنگ آورد و یکی از تشبیهات قشنگ بشمار میرود.

8- دوشم بشمع روی جو ماهت نیاز بود

جانم جن شمع از آتش دل گذار بود (3)

اینجا درین بیت دو تشبیه آورد و آنها از تشبیهات بزار تکلف و بلاغت کرمانی بشمار برود

1- مشبه - دوشم بشمع روی 1- مشبه - جانم

2- مشبه به - ماهت نیاز بود تشبیه اول 2- مشبه به - از آتش دل

3- اداه تشبیه - جو 3- اداه تشبیه - جو

(1) همان منبع قبلی، ص 421.

(2) دیوان اشعار کرمانی، احمد خوانساری، طهران، ص 435.

(3) همان منبع قبلی، ص 439.

9. دائم دل پرتاب من از آتش سودا

چون شمع جگرتافته درسوزو گدازست (1)

1. مشبه ...دائم دل پرتاب من

2. مشبه به جگر تافته سوزو گدازست

3. اداه تشبیه ...چون

10. میسوزم و میسازم از آن روی که چون عود

کارمن دلسوخته از آن روی (کنایت از دل پرتاب)

1. مشبه- از آن روی (کنایت از دل پرتاب)

2. مشبه به- عود کارمن دلسوخته

3. اداه تشبیه -چون

11. دریای توهر کسی که سرانداز نیابد

چون هندوی زلف توسر افراز یابید (3)

درین بیت تشبیه فیلی خوب است و این تشبیه ساده و روان نیز هست و میان از تشبیهات کرمانی بشمار میرود .

1. مشبه- در بای تو

2. مشبه به - هندوی زلف تو

3. اداه تشبیه -چون

(1) دیوان اشعار کرمانی، احمد خوانساری، طهران، ص649

(2) همان منبع قبلی، ص649

(3) همان منبع قبلی، ص685

12. آتشی در سینه دارم کز درون سوزناک
و میدم چون شمع مجلس دودم از سر میرود

این تشبیه درین بیت براز تکلف وسائل بلاغت دارد و کرمانی شاعر تصوف این تشبیه
درین بیت میآورد .

1. مشبه - آتش در سینه .
2. مشبه به - شمع مجلس
3. اداه تشبیه - چون

منابع

1. البلاغه والتطبيق، د. احمد مطلوب ،بغداد.
2. اسرار لبلاغه في علم البيان ، عبد القاهر الجرجاني ،بيروت .
3. المعجم في معايير اشعار العجم ، شمس الدين محمد بن الرازي ،القاهرة .
4. ديوان اشعار خواجه کرمانی. احمد سهلی خوانساری ،تهران .
5. حدائق السحر في دقائق الشعر، رشيد الدين وطواط، طهران .
6. سخن شناسی، یکانی، طهران .
7. لغت نامی، علی اکبر دهمدا، تهران .
8. هنجار گفتار، نصر الله تقوی، تهران .

نماذج من التشبيه في اشعار خواجه کرمانی

م. خیریه دماک قاسم

جامعة بغداد / كلية اللغات / قسم اللغة الفارسية

خلاصة البحث

التشبيه، هو ما دل على مشاركته امر مع امر آخر في المعنى بواسطة كلمة (مثل) او أي عبارة أخرى تكون بديلة عنها وقريبة مع نفس المعنى. لقد بحثنا التشبيه في هذا البحث لدى واحداً من الشعراء المشهورين في ايران وهو الشاعر (خواجه کرمانی).

كان شاعراً واستاذاً ماهراً في اكثر العلوم وله اسلوبه الخاص في الغزل ففي بعض غزلياته كان يشبه اسلوب الشاعر الكبير (سعدی) وكذلك كان متأثراً بالشاعر (حكيم سنائي) وكان يضمّن اشعاره بعضاً من غزلياته.

في اشعار (خواجه کرمانی) نلاحظ معاني البحث والاخبار والتفسير وغزلياته تتحدث عن العشق والشوق واكثر ترجيحاته عرفانية.

يقدم الباحث المعلومات الوافية عن حياة هذا الشاعر واثاره وعقيدته وكذلك يقدم تعريفاً عن كلمة التشبيه وانواعه وفي النهاية خصصنا مبحثاً لنماذج من التشبيه في اشعاره، ونرجو ان نوفق في ذلك.

الكلمات المفتاحية: تشبيه، الشاعر خواجه کرمانی، اسلوبه واشعاره، انواع التشبيه، تشبيه في اشعار خواجه کرمانی

رزومه

دانشیار دکتر خیریه دماک قاسم

استاد زبان وادبیات فارسی/ گروه زبان وادبیات فارسی

دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه بغداد

تعدادی از پژوهشهای علمی جاب شده در فصلنامههای عراق ویک پژوهش در فصلنامه ادبیات تطبیقی ایران دارم همراه با تعدادی از داستانهای ترجمه شده از فارسی به عربی که در نمایشگاه بین المللی تهران به نمایش گذاشته شده است. از 24 سال پیش تاکنون مشغول به تدریس در این گروه بوده ام وهستم.

Email: noorallhji@gmail.com